

تصویرهای تشخیص در شعرِ کلیم کاشانی

☆ دکتر شاهده عالم

Abstract:

Persian poetry produced during the Mughal reign is of significant importance. During this period thousand of Persian poets migrated from Iran to subcontinent, Kaleem Kashani was one of them. Kaleem joint the court of Shah Jahan and reached to the post of King of the poets. Personification is one of the features of Kaleem's poetry. In this article the significance of personification in his poetry has been evaluated.

Key words: Kaleem Kashani, Persian poetry, Personification, Analysis.

دورهٔ گورکانیان در تاریخ ادبیات فارسی شبه قاره از اهمیت ویژه ای برخوردار است پادشاهان، گورکانی نه تنها با زبان فارسی آشنای داشتند بلکه به ذوق و قریحهٔ شعر و نثر هم بر خوردار بودند در دورهٔ گورکانیان زبان فارسی زبان رسمی دربار بود و تنها خود پادشاهان بلکه امرای شان نیز شاعران فارسی گورا مورد تشویق قرار می دادند و به آنها صلائی گرانبهای دادند پر کردن دهان شاعران با گهرهای گر ان بها همچنین سنجیدن شاعر ان از زرو سیم و غیره در تاریخ معروف و مشهود است- (۱) تشویق و تجلیل پادشاهان گورکانی هند نه تنها توجهٔ شاعران فارسی گوی شبه قاره بلکه شاعران ایران را نیز بخود جلب کرد و در نتیجه در بارگاه شان يك گونه محیط مسابقت ایجاد شد و تلاش و کوشش آنها در ارائه مضامین بکرو خیالهای نازک کارانه به حدی رسید که کلیم کاشانی می گوید:

☆ اسٹنٹ پروفیسر شعبہ فارسی، لاہور کالج برائے خواتین یونیورسٹی، لاہور

می نهم در زیر پای فکر کرسی از سپهر

تا بکف می آورم يك معنى بر جسته را (کلیم، ص: ۹۳، ب: ۸)

این محیط مسابقت بین شاعران هندی و ایرانی و بویژه سعی و کوشش شان همراه باتمرکز ذهن و فکری برای ایجاد نوآوری موجب پدید آور دن سبك شعری شد که در تاریخ ادبیات فارسی بعنوان سبك هندی شهرت دارد شاعران سبك هندی در صدد آن برآمدند که در کار بردارایه های لفظی و معنوی (بعنوان مثال، تشبیه، استعاره، کنایه، مجاز، تشخیص، اسلوب معادله و همچنین مضمون سازی و خیالبافی) ابتکار و هنر خود بنمایند. این شاعران همچنین تصویر های مبتکر و بی سابقه ارائه کردند که فهم آدم را دچار شگفتی می کند. همین انگیزه نوآوری خصیصه ای است که این سبك را از سبکهای پیشین متمایز می سازد.

تصویر/ صور خیال/ ایماژ:

تصویر یا صورت خیال که جمع آن صور خیال است تصویری است که شاعر آن را بوسیله کلمات می سازد (در تاریخ ادب فارسی این بحث تازه ای نیست. در سابق برای این اصطلاح خیال، تخیل، خیالبافی، تصویر سازی نیز بکار می بردند. واضع این اصطلاح منتقد معروف و معاصر ادبیات فارسی و استاد دانشگاه تهران، دکتر شفیع کدکلی است. صور خیال گویی يك گونه نقاشی است که شاعر بوسیله کلمات می کند و درین مورد مار مونتلی چقدر قشنگ گفته:

”شعر يك نقاشی است که زبان دارد و زبانی است که نقش می نگارد

(به نقل از شعر معاصر ایران از بهار تا شهریار)

همچنین دکتر سید عبدالله در اهمیت صور خیال می نویسد: ”نقاشی و موسیقی بمنزله تار و پود کسوت شعر است یعنی اگر شعر برون تصویر و موسیقی باشد بی رنگ خواهد بود“ (سید عبدالله)

پس در شعر از اهمیت تصویر نمی توان انکار نمود این تصویر های شعری يك شاعر است یعنی صور خیال اطراف غالب ص: ۴۴-۴۳) و است که به مامی نماید که

شاهده عالم/تصویرهای تشخیص در شعر کلیم کاشانی

فکر و اندیشه شاعر از کجا مایه می گیرد سر چشمه اصلی نظام فکری و تخیلی یک شاعر در کجا است؟

از طبیعت چه چیزها وی را مورد تأثیر قرار می گذارد؟ پدیده های طبیعی زمین چه نقشهای خیال تو ذهنش می کشد؟ تابلوی آسمان برای او چه طرح های اندیشه میریزد و دریا جلوی چشمش چه منظره می کشد. این روزنی است که بوسیله آن می توان به نظام ذهنی شاعر نگاه کرد و پی برد.

مطالعه صور خیال تشخیص یا شخصیت بخشیدن به جانوران، اشیای بی جان و امور انتزاعی را یکی از مهم ترین لہزار صور خیال در شعرا است. این همان نوع استعاره که آن را استعاره؛ مکنیه می گویند تشخیص از زیبا ترین شگردهای هنری است که از دیر باز در شعر فارسی کار برد داشت اما سبک هندی به این رونق تازه ای بخشیده است. کلیم کاشانی شاعر نامبر ده سبک هندی ایرانی الاصل بود وی از ایران مهاجرت کرده بادر بار شاهجهان متصل شد و بعد از در گذشت قدسی مشہدی ملک الشعرا ای دربار به خطاب ملک الشعراء سرافراز شد. (ئ) شعر کلیم کاشانی از نظر تصویرگری بسیار زیبا و جالب است و بویژه کار برده هنر مندانه تشخیص در شعرش بسیار چشمگیر است. شاعر همیشه خود را با طبیعت در اتباط حس می کند. همه پدیده های طبیعت با وی هم سخن می بانبنده او با همه حرف می زند. گویی همه را همچو خود انسان می پندارد.

شاعر در خبارج خود با سه عوامل زیر مواجه می شود.

۱- طبیعت؛ ۲- انسان؛ ۳- زندگی

اول باید توجه داشت که طبیعت چطور شاعر مورد نظر ما را تحت تأثیر قرار

داده و او چه تابلوهای نقاشی از روی آن می سازد

برای مطالعه و بررسی تصویرهای تشخیص طبیعت به سه بخش تقسیم می شود:

۱- طبیعت زمینی؛ ۲- طبیعت آسمانی؛ ۳- طبیعت دریائی

طبیعت زمینی:

زمین دارای سبزه و گل و آتش و خاک می باشد و همچون تمام پدیده های

زمینی یعنی جانوران حتی جهان و روز گار و دهر شامل حوزه بحث طبیعت زمینی می باشد کلیم کاشانی از زمین بیشتر به گل پرداخته است۔ گاهی حس می کند که غنچه گل بروفای بهار کیسه ندوخته است بلکه با چشم بسته هم کاروبار عالم را تماشامی کند، گاه به چشمش می خورد که شکوفه و برگ باهم در جدال هستند تادر بیرون شدن از تنگنای رنگ شاخ بر یکدیگر سبقت بجویند۔

برای سبقت بیرون شدن شکوفه و برگ

بتنگنای رنگ شاخ می کنند جدال (کلیم، ص: ۱۳، ب: ۳)

کلیم گل را شرمسار می بیند که برای نثار مقدم نو روز مشیت زِر خود را کمتر می یابد
نثار مقدم نو روز کم دلشت

گل از مشیت زِر خود شرمسار است (کلیم، ص: ۶، ب: ۱۹)

غنچه بنظر کلیم چنان به فکر دهان محبوب افتاده که با وجود رفتن فصل گل سر از زانوی گلبن بر نداشته است۔

فصل گل رفت و سر از زانوی گلبن بر نداشت

غنچه پنداری به فکر آن دهان افتاده است (کلیم، ص: ۱۳۸، ب: ۱۴)

به نگاه کلیم بنفشه که خود را کمان کرده نه از روی پیریست بلکه در تلاش

دلربائی است

بنفشه در کمین دلربائیت

نه از پیریست گر خود را کمان کرد (کلیم، ص: ۴۶، ب: ۱۳)

زمین بنظر کلیم چو و امدار تهیدست می آید که از خجالت ابر زیر سبزه چهره خود را پنهان کرده است

چو وام دار تهیدست از خجالت ابر

بزیر سبزه زمین روی خویش پنهان کرد (کلیم، ص: ۲۲، ب: ۱)

تصویرهای طبیعت دریائی

به چشم کلیم همه طبیعت زنده است جان دارد گفتگو می کند و

شاهده عالم/تصویر های تشخیص در شعر کلیم کاشانی

ابراز شادی و غم می نماید، تصویر ابراز شادی قطره ملاحظه شود:

بر هوا می افکند هر دم کلاهی از حباب

قطره زین شادی که دریا حال او پرسیده است

ریا نیز در نگاه کلیم از اوصاف انسانی متصف است در جایی که می گوید

دریا چو درمناغ گهر آب می کند

لرزان زیم پادشاه عدل پرورست (کلیم، ص: ۶، ب: ۱۹)

دجله و جیحون به نزد کلیم مثل دوستان قدیمی هستند که به یکدیگر نامه می نویسند

همیشه دجله و جیحون چو دوستان قدیمی

زموج نامه باین دیده پر آب نوشتند (کلیم، ص: ۱۸۰، ب: ۱۶)

تصویر های طبیعت آسمانی:

کلیم برای آسمان و همه مناسبات وی نیز شخصیت انسانی قایل می شود پیش او

آسمان مدح می کند، چرخ گلایه دارد:

آسمان مدح او همی خواند

در کفش بین ز کهکشانشان طومار (کلیم، ص: ۳۷، ب: ۲۳)

گلایه چرخ ببینید:

خلعت آسایشی می خواستم از چرخ گفت

از کجا آورده ام خود در لباس خاتمم (کلیم، ص: ۲۷۹، ب: ۱۸)

شخصیت بخشی به اعضا و مناسبات انسانی:

دیوان کلیم يك جهانی است که در آنجا چشم پر حرف است، (خرد از حیرت

انگشت در دهان دارد، همت از کوی طمع پا می کشد) و مراد در دنبال آرزو شتابان

است هوا و هوش طفلان مکتب اند که از رسیدن عید بعد از روزه ها رهایی یافته اند

بمن نوبت نداد آن چشم پر حرف

پس از عمری که راه حرف و اشد (کلیم، ص: ۵۶، ب: ۱۳)

خرد ز حیرت انگشت در دهان دارد
 وزن شه که صدف را محیط عمان یافت (کلیم: ص ۶، ب: ۳)
 چنان ز کوی طبع پاکشیده همت من
 که عارم آید اگر پند از پدر گیرم (کلیم: ص ۲۹۰، ب: ۶)
 ز روزه طفل هوا و هوس به مکتب بود
 رسیده عید ز مکتب رها شدند اطفال (کلیم: ص ۱۲، ب: ۹)
 ز فیض آب و هوایش چو سایه از پی شخص
 مراد در عقب آرزو شتابانست (کلیم: ص ۱۵، ب: ۱۸)

تصویرهای زندگی

در زندگی اگر اشیای عادی را بینم اینها نه جان دارند و نه زبان نه احساس دارند و نه بیان اما کلیم نه تنها با آنها همکلام می شود بلکه نبض و روحیه آنها را می شناسد و به بی زبانی عواطف آنها را زبان می بخشد. چنانچه می بینیم که در شعر خود جرس را توصیف می کند که بی جهت گلوی خود را پاره نکند چه در بادیه هیچ کس نیست که به فریادش برسد:

ای چرس تابکی از ناله گلو پاره کنی
 کس درین بادیه دیدی که به فریاد رسد
 کلیم گلویش از گریه گرفته است و نمی تواند شرح حال دیده بنویسد
 چون کنم شرح حال دیده رقم
 خامه ام گریه در گلو دارد (کلیم: ص ۱۹۴، ب: ۱۸)
 کلیم با مشاهده ظریف اشیای عادی و شخصیت بخشی به آنها درباره زندگی و امور آن نتیجه های پرازش نیز می گیرد چنانکه می گوید:
 صراحی چون دلی خالی کند دیگر نمی گرید
 کلیم است اینکه دایم دیده های خونفشان دارد (کلیم: ص ۱۸، ب: ۶)

شاه‌نامه/تصویرهای تشخیص در شعر کلیم کاشانی

پنبه را دانی چرا مینا دهد بر فرق جای

هر که راز میکشان پوشد جایش بر سراسر است (کلیم: ص ۵۲، ب: ۱۰)

یادداشتها:

۱- برای اطلاعات بیشتر رجوع شود به:

گلچین معانی، کاروان هند - ۲ جلد

غلام علی آزاد، خزانه عامره تذکر عرفی: خان از امرای اکبر پادشاه عرفی را در ازاء يك قصیده هفتا و هزار روپیه انعام داد

جهانگیر، نورالدین، ترك جهانگیری

صباح الدین، عبدالرحمن، بزم تیموریه

۲- برای اطلاعات بیشتر رجوع شود به:

آربری، آرتور جان ادبیات کلاسیک فارسی، ترجمه اسد الله آزاد

براون، ادوارد، تاریخ ادبیات ایران، از صفویه تا عصر حاضر

، ترجمه رشید یاسمی،

تمیم داری، احمد، عرفان و ادب در عصر صفوی،

سبک شناسی شعر پارسی از رودکی تا شاملو، دکتر محمد غلام رضایی

۳- صورخیال در شعر فارسی از شفیع کدکنی

۴- برای توضیحات بیشتر نگاه کنید:

○ شفیع کدکنی، صورخیال در شعر فارسی، صص ۱۴۹ تا ۱۵۶.

○ انوشه مزدك، دانشنامه ادب فارسی، به سرپرستی حسن انوشه، جلد دوم، ص ۳۶۲

○ جرجانی، عبدالقادر، اسرار البلاغه، ص ۴۴، ۴۳.

○ شمیسا، سیروس، بیان، ص ۱۷۵.

○ سکاکی، ابو یعقوب، مفتاح العلوم، ص ۳۴۹.

○ میر صادقی، میمنت، واژه نامه هنری شاعری، ص ۷۰.

○ سیما داد، فرهنگ اصطلاحات ادبی، صص ۷۷-۷۸.

○ زرین کوب، عبدالحسین، نقد ادبی، جلد دوم، ص ۶۹۵.

○ شریعت، رضوان، فرهنگ اصطلاحات ادبی، ص ۵۴

○ رادفر، ابو القاسم، فرهنگ بلاغی ادبی، جلد اول، ص ۳۵۹

- o Cuddon, A Dictionary of Literary Terms, p. 501-502
- o Abrams, A Glossary of Literary Terms, p.171
- o Shipley, Dictionary of World Literary Terms, p.237

۵- درباره او بنگرید به :

- تذکره نصر آبادی، ص ۲۲۰-۲۲۳
- o بهارستان سخن، ص ۴۹۰-۴۹۸
- o ریاض الشعراء واله داغستانی، خطی
- o آتشکده، بمبئی، ص ۲۴۶-۲۴۷
- o نتایج الافکار، بمبئی ۱۳۳۶، ص ۶۰۱-۶۰۵
- o شاهجهان نامه (عمل صالح) کلکته ۱۹۳۹، ج ۲، ص ۳۵۳ بعد
- o مجمع الفصحاء، ج ۲، ص ۲۸
- o گنج سخن از مؤلف این کتاب، ج ۳، ص ۹۲-۱۰۱
- o ترجمه شعر المحم شبلی نعمانی، تهران ج ۳، تهران ۱۳۳۴، ص ۱۷۲-۱۷۹
- o سرو آزاد، ص ۷۷-۸۱
- o صحف ابراهیم و تذکره های دیگر مانند خزانه عامره، مرآت الخیال شیر خان لودی، کلمات الشعراء محمد افضل سرخوش و جزا آنها
- o فهرست ریو، ج ۲، ص ۶۸۶-۶۸۷
- o فهرست بلوشه، ج ۳ ص ۴
- o دیوان کلیم کاشانی، تهران ۱۳۵۴ ه ق و تهران، ۱۳۳۶ ه ش
- o مقدمه دیوان کلیم از پر تو بیضائی .

